

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

آتش : بامیان

۰۲ دسمبر ۲۰۱۴

بامیان در فقر می سوزد؛

«جامعه مدنی» دموکراسی می خواهد

بامیان چون یک ولایت کوهستانی بوده زمین های هموار کم دارد ۹۵ در صد مردم آن زیر خط فقر زندگی بخور نمیر دارند و غذای اکثریت بامیانی ها را کچالو و برنج شوله ای تشکیل می دهد بیکاری، اعتیاد، تن فروشی، گدائی به کار روزه یک تعداد از مردمان این سرزمین بدل شده است. بی سر پناهی، مغاره نشینی، زایمان زنان در طویله ها، گوش و بینی بریدن و تجاوز به زنان از طرف زورمندان و قومندانان جهادی کارد را به استخوان مردم پا برهنه بامیان رسانیده است. با این حال در اطراف و اکناف پیکره های بودا این سمبول های وحشت و جنایت طالب، هتل های مجللی از طرف پولداران ساخته شده و پول تورستان به جیب این ثروتمندان سرازیر می شود و مقامات دولتی بامیان روز تا روز کوشش دارند تا تورستان بیشتری را در بامیان جذب کنند که برای شان خوب عاید زاست و همچنان عده ای از زورمندان و قومندانان جهادی هر روز زمین های مردم را «قانوناً» نقشه برداری و بعد از کنترل و جواز و تأیید وزارت شهر سازی به قیمت های بلند فروخته و می فروشند.

شهرک دشت عیسی خان، شهرک ملا غلام، شهرک دشت شیری، شهرک وحدت و شهرکی که در این اواخر توسط شخصی به نام حاجی عیان و والی فعلی «غلام علی وحدت» ساخته می شود از جمله شهرک هائیکست که زمین های آن از طرف زورمندان غصب شده و بعد از تأیید وزارت شهرسازی «قانوناً» به فروش رسیده و خواهند رسید.

در قریه آجر از مربوطات ولسوالی کهمرد بامیان که زمانی تفریحگاه ظاهر شاه این شاه زن باره و خائن بود صدها جریب زمین توسط ظاهر شاه از مردم به زور به قیمت بسیار نازل خریداری و در آن تفریحگاه ساخته بود که سالی دو یا سه بار این شاه خائن جهت خوشگذرانی با عده ای از زنان حرمسرای خود می آمد، درین اواخر نوادگان ظاهر شاه این زمین ها را بالای امان الله گذر و قومندان ستار فروخته و این دو قومندان جنایت کار جمعیت زمین های آبائی مردم را بعد از خرید از نوادگان ظاهر شاه بالای مردم به قیمت گزاف به فروش رسانیدند و میلیون ها افغانی از این درک به جیب زدند. بگذریم از این که در ساحه ای که قومندان ستار فعلاً در منطقه آجر خانه بزرگی برایش جور کرده گفته می شود که چندین جسد مومیائی شده را نیز از این ساحه با مقداری از مسکوکات طلا کشیده و به خارج قاچاق کرده است.

با وجود این همه درد و جنایت «جامعه مدنی» که قروانه شان از کانادا و امریکا و..... حواله است با خاک زدن به چشم مردم و مغشوش نمودن اذهان شان دشمنان اصلی مردم را از تیغ نفرت و کینه مردم رها نموده و با بلند کردن شعار دموکراسی، آزادی بیان، حقوق بشر، منع خشونت، آب سرد بر خواسته های به حق مردم می ریزند.

درین اواخر که نتایج انتخابات شورای ولایتی در بامیان مثل انتخابات ریاست جمهوری پوشالی معلوم شد کسانی که در احزاب جنایت کار جهادی عضویت داشتند با گرفتن ۱۰۰ رأی یک شبه رأی شان به ۶۰۰۰ رسید و به شورای ولایتی راه یافتند بگذریم از این که تمام افراد شورای ولایتی که اکثریت شان را ملا و مولوی اند، افراد کم سواد و بعضی هایشان گذشته ننگینی نیز دارند. رئیس شورای ولایتی بامیان زنی به نام **طیبه خاوری** که قبلاً عضو «جامعه مدنی» بود فراشوتی نصب شد که حتی خودش نیز فکر چنین مقامی را نمی کرد ولی از این که بادران شان چنین می خواستند و بازار «جامعه مدنی» گرانی و استفاده از زنان به عنوان ابزار تبلیغات سیاسی سخت به نفع شان بود این طور شد نه به خاطر **طیبه خاوری** که تا صنف دوازدهم را به زور خوانده است.

کسانی که در بامیان همیشه در صحنه بوده و حد اقل ماه دوبار تظاهرات می کنند و دنبال سوژه برای تظاهرات شان سرگردان اند «جامعه مدنی» بامیان می باشند این افراد که نفرات رده اول آنها ویژه کانادا و امریکا در یک جیب شان و در جیب دیگر شان تذکره تابعیت کانادا را دارند هر از گاهی به بامیان می آیند و تظاهراتی می کنند و به قول مردم **خیسه** می روند و کسانی که از این جامعه تذکره تابعیت کشورهای اروپائی را ندارند سخت در تلاش اند تا با انجام دادن ریسک های مختلف و به دست آوردن «کیس» به این سند رویائی شان دست یابند. جالب اینجاست که عده ای از ملاها نیز که گذشته ننگین حرکتی و و حدتی دارند هر از گاهی خود را در خیل «جامعه مدنی» گد کرده و از جامعه مدنی حرف می زنند و در مصاحبه های خویش با مباحثات می گویند که: «از این که عضو جامعه مدنی هستم افتخار می کنم گرچه پیرم و مردم به من بابیه می گویند ولی جوان فکر می کنم».

پس با معلوم شدن افراد و اشخاص جامعه مدنی هر شخص نیمه هوشیاری به این نتیجه می رسد که «جامعه مدنی» مثنی از افرادی با طیف های فکری متفاوت از «روشنفکران» جیون و بی مایه گرفته تا ملاهای «روشنفکر» اند، که آخرین نتیجه تلاش و سگ دوی های شان به پای استعمار گران دشمنان قسم خورده مردم می ریزند و گوئی که به خاطر همین کار استخدام شده باشند که دور از واقعیت نیست.

افراد «جامعه مدنی» در مقابل این همه جنایاتی که در حق مردم بامیان می شود از بی سرپناهی گرفته تا فقر، فلاکت، تجاوز، غصب زمین های آبائی شان و بیکاری هرگز دم بر نمی زنند فقط بلد اند، ژست های «روشنفکرانه» بگیرند گلوی خود را پاره کنند از حقوق بشر، دموکراسی، آزادی بیان، شرکت در انتخابات سرنوشت ساز حرف بزنند ولی هیچ گاه دیده نشده که در مقابل بی عدالتی های موجود که عامل تمام بدختی های جامعه می باشد تظاهراتی انجام دهند چون می دانند که با این کار قروانه شان قطع، تذکره تابعیت خارجی شان از نزد شان گرفته و پاره پاره شده و از «جامعه مدنی» با لگد بیرون رانده خواهند شد که دیگر از این غلط ها نکنند.